

## عنوان مقاله:

هجوم مغول و گسست تاریخی خوارزم از ایران

## محل انتشار:

پژوهشنامه خراسان بزرگ، دوره 9، شماره 33 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

## نویسنده:

مریم خسرو آبادی - استادیار گروه تاریخ دانشگاه یزد

## خلاصه مقاله:

پیش از حمله مغول، مورخان و جغرافیدانان مسلمان، ماوراء النهر را بخشی از مملکت ایران و در پیوندهای تاریخی، سیاسی و جغرافیایی با خراسان بزرگ می دانستند و به همگرایی و ارتباط عمیق تاریخی این منطقه با خراسان تاریخی نظر داشتند. کوچروانی مانند کوشانیان، هیاطله و بخصوص کوچروهایی که پس از اسلام بر این نواحی فرمان راندند مانند قراخانیان، سلجوقیان، قراختاییان و خوارزمشاهیان، هرگز روابط تاریخی بین این مناطق و فضای داخلی ایران را قطع نکرده و حتی گاه در مقاطعی دولت های مقتدری تشکیل دادند که از مرزهای سیحون تا بغداد امتداد داشت. نگاه آنان همواره به سمت غرب بود و همین نگاه پیوستگی دائمی از منظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد می کرد. به نظر می رسد ماوراءالنهر و بخصوص خوارزم پس از هجوم مغول، ارتباط تاریخی خود با ایران را از دست داده است. در واقع حاکمان غیر ایرانی پیش از هجوم مغول که می توان آنان را خویشاوندان فرهنگی مغولان دانست، با وجود ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی شبه مغولی، سبب این گسست تاریخی نشدند. این گسست، حاصل هجوم مغول بود. حمله مغولان و به تبع آن، نحوه تقسیم متصرفات چنگیزی، پیامدهای تاریخی عمیقی برجای گذاشت. سنگ بنای این نتایج با مشخص شدن موقعیت های جغرافیایی آغاز شد. این تقسیم بندی از آن رو اهمیت داشت که مرز موضوع هویتی بود. در این میان خوارزم که از لحاظ جغرافیایی از ایران و ماوراء النهر جدا شده بود، از نظر هویت مسیری متفاوت را طی می کرد. هویتی که در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تغییر یافت. در این پژوهش با روش تحلیل تاریخی، تلاش شده است تا ضمن توضیح جنبه هایی از همگرایی تاریخی خوارزم، ایران و ماوراءالنهر، تبعات هجوم مغول مورد واکاوی قرار گیرد

## کلمات کلیدی:

خراسان بزرگ، خوارزم، خبوه، جغتاییان، مغول

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2030405>

